

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۸-۵

رویکرد بادل‌ی در معرفی پیامبر اسلام ﷺ

راضیه سیروسی^۱
مرتضی مزگی نژاد^۲

چکیده

رونالد ویکتور کورتنی بادل‌ی (۱۸۹۲-۱۹۷۰)، اسلام‌شناس انگلیسی در کتاب رسول: زندگانی محمد، براساس نظریه تکامل اجتماعی و تأثیرپذیری پیامبر ﷺ از محیط عربستان به بررسی زندگی آن حضرت پرداخته است. او برای درک شرایط زندگی حضرت محمد ﷺ، شخصاً زندگی با اعراب را تجربه کرد. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به دنبال پاسخ به این سؤال است که توجه به رویکرد شرایط زیست‌محیطی عربستان چه تأثیری بر دیدگاه بادل‌ی نسبت به پیامبر ﷺ داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترسیم چهره آن حضرت در قالب شرایط زیست‌محیطی عربستان، سبب شد تا بادل‌ی، انگاره متعادل‌تری نسبت به آن حضرت ارائه دهد. اگرچه دیدگاه‌هایش گاه تأیید همان انگاره‌های خصمانه قرون وسطی بود، با این حال لحنش توهین‌آمیز نبود. بادل‌ی برخی خصلت‌های پیامبر ﷺ را مطابق زندگی اعراب تفسیر می‌کرد. او همچنین با انتقاد جدی از برخی دیدگاه‌های پیشینیان، بر صفت‌های نیکوی ایشان مانند ساده‌زیستی تأکید می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: بادل‌ی، تاریخ پیامبر ﷺ، سیره پژوهی، تکامل اجتماعی، نقد خاورشناسان.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء ﷺ (نویسنده مسئول). r.sirousi@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه بیرجند. mezginejad@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۰

درآمد

از قرون وسطی تا به امروز موضوع اسلام و به خصوص پیامبر ﷺ، هدف مطالعاتی بسیاری از محققان غربی قرار گرفته است. به طوری که امروز مطالعه شخصیت حضرت محمد ﷺ، بخش جدایی ناپذیری از فرهنگ اروپائی به شمار می‌رود. برداشت نویسندگان غربی قرون وسطی از پیامبر اسلام، همراه با سوگیری و غرض‌ورزی بود. تصویری که تا سده‌ها در ذهنیت اروپایی رسوب یافت و بخش لاینفکی از فرهنگ آنان به شمار می‌رفت. با ورود به عصر رنسانس یا نوزایی، انتظار می‌رفت تا تغییری در نگرش نسبت به آن حضرت به وجود آید، زیرا رنسانس با تغییراتی که به همراه داشت، ساختار کهنه قرون وسطی را متزلزل ساخت و مبانی فکری عصر جدید را پی‌ریزی کرد. دوره جدید که از رنسانس به بعد در اروپا آغاز شد، از تمامی جهات با سده میانه یا قرون وسطی تفاوت داشت. مهم‌ترین تفاوت، کاهش حاکمیت کلیسا و افزایش قدرت علم بود (راسل، ۱۶۲۵). با این همه تحقیقات نشان می‌دهد که ذهنیت قرون وسطایی همچنان بر نوشته‌های غربیان درباره پیامبر ﷺ حاکم است. متیو دیموک^۱ پس از بررسی تصویر پیامبر اسلام در اوایل دوره مدرن انگلیس، به این نتیجه رسید که بیش از دویست و پنجاه سال، از اواخر قرن پانزدهم تا اوایل قرن هجدهم، انگاره یکسانی از پیامبر ﷺ در انگلیس ارائه شده است (Dimmock, 10).

با ورود به قرن نوزدهم، منابعی که در غرب، زندگی پیامبر ﷺ را به تصویر کشیدند، از نظر تنوع دیدگاه و تعداد افزایش یافت. در این دوره، گروه جدیدی از نویسندگان ظهور پیدا کردند که به سبب آشنایی با زبان‌های شرقی، زمینه مطالعه علمی‌تر برای آنها فراهم شد و علاوه بر آن، برگزاری کنگره‌های بین‌المللی نیز تبادل آرای متفکران را ممکن ساخت (Hourani, 232). با این حال پدید آمدن هژمونی استعمار در قرن نوزدهم، مسیر تحقیقات را تغییر داد. از جمله دیگر جریان‌های تأثیرگذار بر تصویرسازی از پیامبر ﷺ، به وجود آمدن نظریه تکامل بود. این نظریه

1. Matthew Dimmock

که با نام داروین شناخته می‌شود، در ابتدا مربوط به امور زیستی بود و به تدریج به امور اجتماعی نیز تسری یافت.

نظریه تکامل اجتماعی خط سیر اندیشه نویسندگان را تحت تأثیر قرار داد و نگاه‌های متعادل را روبه‌روی مخاطبین قرار داد. یکی از نویسندگانی که تحت تأثیر چنین نظریاتی به معرفی چهره پیامبر ﷺ پرداخت، رونالد ویکتور کورتنی بادلی¹ (۱۸۹۲-۱۹۷۰)، افسر، نویسنده و روزنامه‌نگار انگلیسی بود. او در کتاب خود با عنوان *رسول: زندگانی محمد*، پس از بحث کوتاهی در باب جغرافیا و تاریخ مکه، به مطالعه دقیق زندگانی پیامبر اسلام پرداخته و مطالب دقیقی را درباره نزول وحی، هجرت به مدینه و جنگ با یهودیان و مشرکان مطرح کرده است.

این نوشتار پس از بررسی نقاط عطف زندگی بادلی، به تأثیرپذیری آرای او از نظریه تکامل اجتماعی اشاره کرده و نشان داده است دیدگاه‌های بادلی در دو قسمت خصمانه و همدلانه قابل ارزیابی هستند. لازم به ذکر است که پیش از این، آرای بادلی درباره پیامبر اسلام مورد بررسی قرار نگرفته است.

زندگی سیاسی و علمی بادلی

رونالد ویکتور کورتنی بادلی (۱۸۹۲-۱۹۷۰م)، در پاریس متولد شد و تا دوره دبیرستان تحصیلات خود را در همین شهر گذراند. در آن ایام در پاریس مؤسسه‌ای برای مطالعه جغرافیا، زبان و فرهنگ مصر ایجاد شده بود و با شروع به کار این مؤسسه، مطالعات اسلامی در غرب مورد توجه خاصی قرار گرفت (Tignor, p174). هدف چنین مطالعاتی شناخت هرچه بیشتر تمدن اسلامی برای پیش بردن برنامه‌های استعماری بود. بادلی چندان علاقه‌ای برای ورود به این مؤسسات استعماری نشان نداد و به واسطه علاقه بسیاری که به علوم نظامی داشت، عازم بریتانیا شد تا در کالج نظامی ساندهورست که به تازگی تأسیس شده بود، به تحصیل بپردازد. پس از طی مراحل تحصیل، در سال ۱۹۱۱م، به عنوان دستیار دوم در سپاه سلطنتی مشغول به کار شد.

1. Ronald Victor Courtenay Bodley

بادلی، در ۲۶ سالگی، دستیار وزیر امور خارجه در پاریس شد و در کنفرانس صلح ۱۹۱۹م حضور یافت. در همین کنفرانس بود که ملاقات با سرهنگ توماس ادوارد لورنس، سرنوشت بادلی را تغییر داد. لورنس، افسر ارتش و دیپلمات انگلیسی بود که به سبب نقش مهمش در شورش اعراب، مشهور شده بود. لورنس که علاقه بسیاری به فرهنگ اعراب داشت و پیش از این، مدتی را در میان آنها زندگی کرده بود، وقتی از قصد بادلی برای ورود به امور سیاسی آگاه شد، به او پیشنهاد داد تا مدتی را با اعراب زندگی کند. بعدها بادلی ابراز داشت که گفتگوی او با لورنس، بیشتر از چند دقیقه طول نکشید، ولی سرنوشت او را تغییر داد. بادلی به سرعت آماده سفر به الجزایر شد و به خانواده اش گفت که تا شش هفته دیگر برخواهد گشت. اما مدت اقامت او در صحرا هفت سال طول کشید. وی، در این مدت با قبایل صحرائین زندگی کرد (Speake, 2/866).

بادلی، انگیزه خود از همنشینی با اعراب را چنین بیان می‌کند: «آنچه بیش از همه مرا به سکنی گزیدن در صحرا علاقه‌مند کرد، آشنایی با مردی عرب و مسلمان بود که در هر شرایطی سعی می‌کرد تا به سمت کعبه برگردد و نماز بخواند. از او سؤالاتی درباره خدایی که می‌پرستد، پرسیدم. وقتی فهمیدم که خدای مورد پرستش او، خدای همان ایمانی است که من در آن تعمیم یافته‌ام، حیرت من زیاد شد. بیشتر که با او صحبت کردم، متوجه شدم که تصویر من از دین اسلام با نوعی تعصب عمومی عجیب شده است. در همان زمان بود که جرقه‌ای در ذهنم زده شد تا به مطالعه‌ای عمیق‌تر بپردازم، اما شروع جنگ جهانی، سبب شد تا از این امر غفلت کنم. غفلتی که بیشتر از ده سال طول کشید. پس از خستگی مفرطی که بعد از پایان جنگ بر من عارض شد، تصمیم گرفتم به صحرای الجزایر سفر کنم. اقامت من در آنجا هفت سال طول کشید. محل زندگی‌ام چادری بود که از موی شتر درست شده بود و با اعراب بادیه‌نشین پیمان دوستی بستم. گله‌ای گوسفند و بز خریداری کردم و به مانند اعراب لباس پوشیدم. عبادات مسلمانان را بجا آوردم و به رسوم آنها احترام گذاشتم» (bodley, ix).

بادلی، در مورد شیوه مطالعاتی خود چنین بحث می‌کند: «با گذشت ماه‌ها و سال‌ها، اطلاعات من درباره محمد جمع شد. این مطالعه، عمدی نبود و من در تمام آن دوره،

یک کلمه چاپ شده در مورد محمد را خارج از قرآن نخواندم. دانش من از مکالمه در اطراف آتش، هنگام همراهی با کاروان‌ها و تماشای گله‌ها در شب، به دست آمد» (ibid, x).

تأثیر نظریه تکامل اجتماعی بر پژوهش‌های اسلام‌شناسان

با ورود به قرن نوزدهم، آمیزه‌ای از رویدادهای مختلف، سبب شد تا نگرش و رویکرد جدیدی نسبت به مطالعه اسلام و پیام‌آور آن پدید آید. برگزاری کنگره‌های بین‌المللی، فرصت مناسبی را برای تبادل ایده‌ها و اطلاعات فراهم کرد. از آن جمله می‌توان به انجمن آسیایی بنگال در سال ۱۷۸۶م، انجمن سلطنتی آسیایی لندن در سال ۱۸۲۳م و جامعه آسیایی پاریس در سال ۱۸۲۲م اشاره کرد. در سال ۱۸۷۳م، اولین کنگره بین‌المللی شرق‌شناسان برگزار شد و زمینه را برای ارتباط گسترده‌تر محققان فراهم کرد (Hourani, 258).

ظهور پدیده دیگری که تغییر جدی‌تری در روند مطالعات اسلامی داشت، رشد پدیده استعمار و امپریالیسم بود که با تسلط بریتانیا بر هند از سال ۱۷۵۷م، آغاز شد و نزدیک به دو قرن به طول انجامید (کارلکار، ۳۶). در سال ۱۷۹۸م، مصر نیز به فهرست مستعمره‌های اروپایی اضافه شد. ناپلئون، در جریان مقابله با بریتانیا، به تسخیر مصر پرداخت تا به طریقی هم بریتانیا را در موضع ضعف قرار دهد و هم بازاری برای تولیدات صنعتی فرانسه مهیا کند. البته زمینه پیوند اسلام‌شناسی و استعمار در قرن هفدهم ایجاد شده بود، زمانی که اسقف اعظم لاد، به جمع‌آوری نسخ خطی عربی پرداخت و رشته مطالعات عربی را در سال ۱۶۴۰م، در آکسفورد تأسیس کرد (Macfie, 46).

در قرن نوزدهم با گسترش مستعمرات شرقی، مطالعه فرهنگ شرقی و اسلامی، کاملاً در جهت اهداف استعماری قرار گرفت. خصوصاً تأسیس انجمن مبلغین مسیحی در سال ۱۷۹۹م، پروژه خدمت علم به استعمار را تکمیل کرد. بنیان‌گذاران این انجمن، مسیحیان انجیلی بریتانیا بودند. در آن زمان، مسیحیان انجیلی اعلام کردند که نجات،

فقط در آگاهی از گناه و پذیرش انجیل عیسی مسیح است و فردی که نجات یافت، می‌بایست دیگران را نیز با حقیقت دین مسیح آشنا نماید (Hourani, 28). طبق منشوری که در انجمن به تصویب رسید، مبلغین باید با روش‌های مختلف تبلیغ آشنا شده و از طریق ارتباط نزدیک با دانشجویان در نواحی شرقی، آنان را به کیش مسیحیت دعوت کنند. در آن ایام گروه جدیدی از نویسندگان ظهور پیدا کردند که با وجود آشنایی کامل با منابع اسلامی، نماینده دیدگاه مغرضانه و غیر علمی به شمار می‌رفتند، زیرا اغلب آنها به سفارش دولت وقت و کلیسا دست به قلم برده بودند. تحقیقاتی که در درون هژمونی استعمار تولید شد، گرچه ظاهر علمی خود را حفظ کرده بود، اما با پیش‌فرض‌های انگاره قرون وسطایی نوشته شده بود. اسلام‌شناسان مهمی چون ویلیام مویر^۱ (۱۸۱۹-۱۹۰۵م)، سموئل زویمر^۲ (۱۸۶۷-۱۹۵۲م) و ویلیام هنری تمپل گاردنر^۳ (۱۸۷۳-۱۹۲۸م)، از این انجمن ظهور کردند. آنان با حضور طولانی در هند، مصر و حلب، در کنار تبلیغ دین مسیحیت به تحقیق در باب اسلام و خصوصاً حضرت محمد ﷺ پرداختند. مسئله حائز اهمیت، این بود که تحقیقات این پژوهشگران از نظر صوری و روشی، کاملاً علمی به نظر می‌رسید و با هوشمندی تمام نوشته شده بود. آثاری که سال‌ها مرجع اسلام‌شناسان غربی شده بود (ر.ک. سیروسی، ۹۵-۱۵۵).

در فضایی که مطالعات اسلام‌شناسی تحت تأثیر فضای فکری استعمار متحول شده بود، ظهور نظریات جدید درباره تکامل اجتماعی، انگاره اسلام‌شناسان غربی را تحت تأثیر قرار داده و تا حدودی سبب شد تا دیدگاه متعادل‌تری نسبت به شرق ایجاد شود. در آن زمان پس از انقلاب صنعتی، تغییرات سریعی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و جمعیتی به وجود آمد و این امر، سبب شد تا محققان در جست‌وجوی چارچوب ضروری و اجتناب‌ناپذیری برای تفسیر آن باشند. جامعه‌شناسان مدرن ترجیح دادند تا از تئوری تکامل برای توضیح توسعه اجتماعی استفاده کنند. داروین، برای

-
1. William muir
 2. Samuel Zwemer
 3. William Henry Temple Gairdner

نخستین بار در سال ۱۸۷۱م، چنین بینشی را درباره عواطف و رفتار انسانی به کار برد. در هنگامی که نظریه تکامل داروین منتشر شد، جهان صنعتی مدرن در مقایسه با سیستم‌های قبلی تولید، کارآفرینان را قادر به تولید بیشتر با قیمت پایین‌تر کرد. این امر موجب تحول کامل نهادهای سیاسی و اجتماعی شد. کارگران با فرار از شرایط متوسط زندگی در روستاها و شهرهای کوچک، به امید زندگی بهتر در شهرهای صنعتی سکونت گزیده بودند و به موازات آن الگوهای جدیدی از مشارکت سیاسی مورد بحث قرار گرفت (Meyer, 126).

اسپنسر از تأثیرگذارترین جامعه‌شناسان تاریخ، سیر تکامل اجتماعی را بسط داد و در یک مدل جامع‌تر آن را در توسعه جامعه، دولت، تجارت، زبان، ادبیات، علوم، هنر، سیر تکامل از ساده به پیچیده ارائه کرد. او روند تکامل اجتماع را مشابه رشد یک دانه به درخت می‌دانست (ibid, 127).

ظهور آرمان‌های سیاسی جمهوری‌خواهی و دموکراسی، مرحله‌ای دیگر از تحولات اجتماعی دوران مدرن بود و نظریه تکامل اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. از این پس، تعداد زیادی از مردم، به ویژه روشنفکران، در سراسر اروپا مفهوم آزادی را به عنوان صورت‌بندی جدیدی از حقوق مسلم همه بشریت پذیرفتند. این عقاید، نه تنها انگیزه جنبش‌های انقلابی، مانند بلشویک‌ها در روسیه یا پیروان مائو در چین بود، بلکه تبدیل به آرمانی اساسی برای توسعه علوم اجتماعی شد (ibid, 123). هومبرتو گارسیا، با بازنگری ادبیات بریتانیا در قرن هجدهم میلادی، بدین نتیجه رسید که جمهوری‌خواهان، نقش مهمی در بحث‌های روشنفکری به خصوص در مواقع بحرانی چون انقلاب فرانسه داشته‌اند. وی، در کتاب *اسلام و عصر روشنگری انگلیسی*، نشان داد که در اوایل تاریخ مدرن، تبادل فرهنگی بین جهان اسلام و غرب مسیحی بیشتر شد و نگاه دلسوزانه و همدلانه به اسلام هم افزایش یافت (Garcia, 2012).

با این حال، حوزه دیگری از زندگی اجتماعی وجود داشت که نیاز به درک توسعه اجتماعی و به طور مشخص روشنگری را تقویت می‌کرد. پیروان این نظریه، در جستجوی حقوق مسلم همه نوع بشر بودند، حقوقی که از منظر آنان، بسیاری از مردم

از آن محروم بودند. ماندلباوم (۱۹۷۱م)، در تحلیلی از این دیدگاه، توجه ویژه‌ای به اندیشه‌های فیلسوفان آلمانی قرن نوزدهم مانند یوهان گوتفرید فون هردر^۱ داشت. اندیشه او با مفهوم ارگانیک اجتماعی پیوند عمیقی داشت. در این دیدگاه، جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی به مانند اجزای تشکیل دهنده موجود زنده با یکدیگر مرتبط بودند. هردر، استدلال کرد که واحدهای اصلی بشریت، مردمان یا ملت‌ها هستند که در محدوده فیزیکی مشخصی شکل یافته و شیوه‌های زندگی آنها در سنت‌ها و باورهایشان نهفته است. هر یک از اقوام، به واسطه زبان از یکدیگر متمایز شده‌اند و هر امری در زندگی آنها با دیگری در ارتباط است. امور مربوط به دین و مذهب نیز در بین آنها ثابت بوده و نمی‌توان هر یک از این اقوام را به دیگری تقلیل داد. به همین جهت، هردر بیان کرد که حضرت محمد ﷺ، آنچه را پیش از این در عرب نهفته بود، به کمک ایده‌هایی از مسیحیت و یهود، آشکار ساخت. او، انسان‌ها را برانگیخت تا از عبادت نیروهای طبیعت به خدای واحد روی آورند. محمد ﷺ آنها را از حالتی بدوی و وحشی به درجه‌ای متوسط از تمدن رسانید (هگل، ۶۸).

بادلی، بیش از هر چیز، تحت تأثیر این بخش از نظریه، به ترسیم چهره پیامبر ﷺ پرداخت. وی که برای شناخت روحیه اعراب، زندگی در صحرا را تجربه کرده بود، پیامبر اسلام را فرزند زمان خود می‌دانست. گرچه بادلی در کتاب خود به صراحت از هردر سخنی به میان نیاورده، ولی تحت تأثیر عقیده تکامل اجتماعی که در آن زمان، به یکی از دیدگاه‌های مسلط تبدیل شده بود، نگاه معتدل‌تری را به پیامبر اسلام بیان کرد.

بادلی علاوه بر اینکه قرآن را به عنوان منبعی قطعی و یقینی برای شناخت بهتر روحيات، منش و زندگی پیامبر ﷺ می‌داند، بر این باور است که بهترین روش شناخت ایشان، شناخت متن جامعه‌ای است که او در آن حشر و نشر داشته است. آنچه در مقدمه کتاب بیان داشته، کاملاً گویای تأثیرپذیری روش تاریخ نگاری او از نظریه تکامل اجتماعی و خصوصاً باور به این نکته است که اجزای مختلف جامعه مانند

۱. Johhan Gottfried von herder

موجودات زنده با یکدیگر در ارتباط هستند. از این‌رو انسان‌ها بسته به سنت، زبان و مذهب محدوده زندگی خود، عمل می‌کنند. البته او برای رسیدن به چنین روشی پیش فرض‌هایی را مطرح می‌کند و در نهایت روش پژوهش تاریخی خود را روشی بدیع در معرفی پیامبر ﷺ می‌خواند. این پیش فرض‌ها عبارتند از:

۱- در طول این چند ده هزار سال، نژاد بشری دگرگونی خاصی از نظر هوشی و یا فیزیکی نداشته است. به گونه‌ای که روحيات، علايق، مسائل زندگی در این مدت بسیار شبیه به زندگی کنونی ماست. وی، در این مقدمه اظهار داشته است: «تاریخ این‌گونه نشان داده است که انسان‌ها در طول قرن‌ها کمی تغییر کرده‌اند، آنها همان نمونه‌های نخستین هستند» (3, bodley).

۲- بادل‌ی بر اساس تجربه هم زیستی با اعراب بادیه نشین این‌گونه استنباط می‌کند که چهره و زندگی اعراب امروزی (قبایل عرب) اختلاف ناچیزی با صدر اسلام دارد بر خلاف مسیحیت که سبک زندگی آنها تغییر فاحشی با ۲۰۰۰ سال پیش دارد.

۳- تاریخ‌نگار و پژوهش‌گر تاریخ نمی‌تواند پژوهش تاریخی جامعی داشته باشد، مگر اینکه به بستر و جامعه‌ای که واقعه تاریخی در آن روی داده، نظر دقیق داشته باشد. کسی که به دنبال نگارش شرح حال پیامبر اسلام است، نمی‌تواند به بیش دقتی از آن حضرت دست یابد، مگر اینکه بستر و جامعه‌ای که ایشان در آن حشر و نشر داشته را به خوبی بشناسد. بدون چنین شناختی نتیجه جز ارائه نگاهی تک بعدی به زندگی پیامبر ﷺ نخواهد بود.

۴- بادل‌ی عنوان می‌کند که «من با قبایلی زندگی کردم که پیامبر را کاملاً می‌شناختند، پیامبر را نه یک فرد دست نیافتنی و یا فردی افسانه‌ای بلکه او را فردی معرفی می‌کردند که مانند خودشان لباس می‌پوشید، بر شتر سوار می‌شد، غذا می‌خورد... محمد به گونه‌ای با این قبایل زیسته است که گویی یکی از آنها بوده‌است» (4, bodley).

۵- وی با توجه به این مقدمه، انگاره تکامل اجتماعی را در شکل‌گیری شخصیت پیامبر ﷺ مطرح می‌کند. «آنچه در این بیوگرافی بدیع است، نشان دادن این نکته است که چگونه شرایط سبب شده محمد کارهایی را انجام دهد که در نگاه مستشرقین

مبهم باقی مانده است... زندگی و حشر و نشر با اعراب چنین واقعیتی را بر من مکشوف کرد ... من این ایده را یافتم که مسائل را مانند او درک کنم» (bodley, 6). اساس انگاره بادللی، بیش از هر چیز بر جغرافیا و فرهنگ عربستان استوار شده بود. البته پایه و اساس دیدگاه‌هایش، همان مواردی بود که پیش از وی در جامعه رواج داشت، اما دقت در بیان انگاره‌های بادللی نشان می‌دهد که تأثیر چنین بینشی در نحوه بیان و حتی قضاوت بادللی آشکار است. گرچه نمی‌توان از بادللی به عنوان نویسنده‌ای همدل یاد کرد، ولی گاه دیدگاه‌هایش او را نویسنده‌ای همدل معرفی می‌کند. بادللی گاهی به ظاهر در برابر باورهای خصمانه پیشینیان می‌ایستاد و به انکار آن می‌پرداخت، اما سخنانش، ترجمانی دیگر از همان نظرات بود که با تکیه بر جغرافیا و فرهنگ عربستان عرضه شده بود.

تکرار دیدگاه خصمانه با لحنی متعادل

بادللی که همزیستی با اعراب بادیه‌نشین را تجربه کرده بود، برخی از صفات نکوهیده منتسب به پیامبر ﷺ را که پیشینیانش بر آن تأکید داشتند، مطابق با محیط زندگی آن حضرت می‌دانست. از جمله ادعای باطل حملات صرعی ایشان بود که نویسندگان غربی برای زیر سؤال بردن نزول وحی بارها آن را بیان کرده بودند. نخستین بار، یوحنا دمشقی، مدعی شد که پیامبر ﷺ، حملات صرع خود را تحت عنوان پدیده خارق‌العاده، یعنی دریافت وحی از فرشته آسمانی پنهان کرده بود (Sahas, 75). نویسندگان مسیحی نیز به پیروی از او این باور بی‌پشتوانه را رواج دادند، اما هیچ‌کدام اشاره نکردند که اگر دوستان پیامبر ﷺ برای حمایت از مقام نبوت، مصروع بودن آن حضرت را پنهان داشتند، چرا دشمنان وی که تهمت‌های ناروایی به آن حضرت منتسب کردند، در این باره سخنی بر زبان نیاوردند؟ چنین مدعای باطلی در عصری که بادللی در آن می‌زیست، همچنان در سخن نویسندگان تکرار می‌شد. از آن جمله ویلیام مویر در کتاب *زندگی محمد*، نخستین نشانه‌های بیماری صرع محمد ﷺ را مربوط به زمانی می‌داند که او تحت پرورش حلیمه قرار داشت، اما چون در آن زمان هیچ

تصوری از بیماری صرع وجود نداشت، آن را به ورود ارواح شیطانی تعبیر کرده و تصمیم گرفتند تا هرچه زودتر وی را به مادرش برگردانند (Muir, 36). البته اسلام‌شناسانی نیز بودند که با دید عالمانه‌ای، انگاره صرع را به نقد کشیده و این تصور را حاصل تعصب دانستند. هنری بولنویلیه، نخستین فردی بود که در انتقاد از نویسندگان مسیحی که مدعی نقص جسمی و روحی آن حضرت شدند و اختلال صرع را به او نسبت دادند، عنوان کرد که همین افراد، آموزه‌های محمد ﷺ را تجدید دین مسیحیت می‌دانند، اما هیچ‌گاه به این سؤال پاسخ نمی‌گویند که چطور فردی با چنین عیوب طبیعی، تحت تعلیم و آموزش قرار گرفته و مبدع دین جدیدی شده‌است (Boulainvilliers, 120).

بادلی، نیز به سبب برخورداری از روحیه تعادل، نسبت بیماری صرع را صحیح ندانست و به انتقاد سخن پیشینیان پرداخت، اما مدعی شد که مراقبه طولانی محمد ﷺ در غار حرا بر ظرفیت عصبی او بی‌تأثیر نبوده‌است، چرا که روزه‌های سخت و شب‌بیداری‌ها، ممکن است سلامتی هر انسانی را به خطر بیندازد. او تنها و دور از خانه بودن پیامبر ﷺ را موجب رؤیاهای عجیب و غریب او می‌داند. بادلی وجود چنین رؤیاهایی را زاینده زندگی سخت و طاقت‌فرسای پیامبر ﷺ در بیابان می‌داند، چندان که این رؤیاها سبب شد تا آن حضرت به امور خرافی و عجیب و غریب اعتقاد پیدا کند (bodley, 53). گرچه، بادلی بر سخنان پیشینیان درباره مصروع بودن پیامبر ﷺ خط بطلان می‌کشد، ولی همچنان بر اختلال توهم و هذیان ایشان صحنه گذاشته و آن را ناشی از تنهایی و عزلت‌گزینی طولانی می‌داند. گویا تنها دلیلی که بادلی را به چنین قضاوتی کشانده، تفکر و عبادت حضرت محمد ﷺ در غار حرا بوده‌است. اگرچه بر طبق گزارش‌های تاریخی، نیازمندان مکه حتی در دوره تحنث به سراغ آن حضرت می‌آمده و اطعام می‌شدند (بیهقی، ۱۳۵/۲)، تناقض در گفتار بادلی کاملاً آشکار است. زمانی که در مقام ستایش از نبوغ و هوشمندی پیامبر ﷺ سخن می‌راند، دیگر از توهم و رؤیاپردازی خبری نیست. در این زمان، دیگر توضیحی ارائه نمی‌دهد که چطور فرد متوهم که دچار اختلال فکری و رفتاری است، چنان هوشمندی

دارد که از سخنان پراکنده تاجران در مرکز شهر، برای مبارزه با فرهنگ منحط جامعه خود برنامه ارائه می‌دهد.

صفت نکوهیده دیگر پیامبر اسلام که بادل‌ی آن را برآمده از فرهنگ منحط اعراب می‌دانست، شهوت‌طلبی بود. یوحنا دمشقی، به عنوان سردمدار مخالفت با اسلام و پیام آور آن، با وارونه بیان کردن روایت ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش، سهم عمده‌ای در نشر این روایت کذب داشت. روایت نادرست دیدار حضرت محمد ﷺ با زینب در غیبت زید و علاقه پیامبر ﷺ به وی که منجر به طلاق زینب از همسرش شد (ابن سعد، ۸۰/۸؛ طبری، ۵۹۲/۲)، دستاویزی در اختیار مسیحیان قرار داد تا به ایشان تهمت بزنند. از این نکته نیز نمی‌بایست غافل ماند که اولین منابع ضبط و ثبت زندگی و سیره پیامبر ﷺ، مسیحی و یا یهودی‌های نومسلمان بودند. اعوجاجات رفتاری آنها در زندگانی شخصی نشان می‌دهد که آنان با ذهنیت پیشین، اقدام به نگارش تاریخ و سیره پیامبر ﷺ کرده‌اند. ممنوعیت کتابت حدیث حداقل بیست و پنج سال پس از رحلت آن حضرت و استمرار این رویه در عصر معاویه، مجموعاً قریب به نیم‌قرن، موجب بروز انقطاعی جدی در انتقال اخبار صحیح از عصر پیامبر ﷺ به ادوار بعدی شد. این انقطاع، سبب شد تا اغلب روایات مربوط به سیره نظری و عملی پیامبر ﷺ، به نسلی برگردد که در عصر رسول خدا، دوره کودکی را می‌گذراندند و یا مدت کوتاهی آن حضرت را ملاقات کرده بودند. از این‌رو، میدان به دست قصه‌پردازان و آشنایان به افسانه‌های عربی و اسرائیلی افتاد که مورد حمایت دستگاه خلافت اموی نیز بودند (ولوی، ۲۱۷)؛ افرادی چون محمد بن کعب قرظی که خود یهودی‌زاده بود (ابن سعد، ۳۴۰/۵) یا عبدالله بن ثوب خولانی (متوفای ۶۲)، از مهاجران یمنی که در شام، سیره و مغازی می‌گفت (دمشقی، ۱۴۶/۸). از این نکته نیز نمی‌بایست غافل بود که محمد بن اسحاق، اولین و مهم‌ترین سیره‌نویس جامع، مسیحی‌زاده بود و تحت تأثیر راویان یهودی و مسیحی قرار داشت (ابن‌نديم، ۹۲).

روایت نادرست ازدواج پیامبر ﷺ با زینب در منابع غربی تکرار شد. به این ترتیب، بادل‌ی که شناخت کافی نسبت به منابع اسلامی نداشت، تحت تأثیر نوشته‌های

رایج در غرب، روایت را پذیرفت، اما به نظر وی، چنین عاداتی در بین اعراب نیز وجود داشت و نمی‌توان از آن، به عنوان امر غیرعادی یاد کرد. بادللی در ادامه عنوان کرد که چطور پیامبرانی چون سلیمان و داوود که تمایل بیشتری به داشتن زنان فراوان داشتند، افراد شهوت‌طلبی خوانده نشدند (bodley, 200). همچنین در باب ازدواج پیامبر ﷺ با عایشه اظهار می‌کند که ازدواج مرد پنجاه ساله و دختر ده ساله، توجه بسیاری از نویسندگان غربی را به خود جلب کرد و آن را امری خارق‌العاده برشمردند. مشکل اساسی چنین نویسندگانی این است که از زاویه جامعه خود به مسئله می‌نگرند. آنها به این امر توجه نکرده‌اند که این رسم، هنوز در اروپای شرقی وجود دارد. حتی، تا چند سال پیش در اسپانیا و پرتغال عادی بود و امروزه در برخی از مناطق کوهستانی دورافتاده ایالات متحده نیز رایج است (bodley, 132).

اقتباس دین اسلام از ادیان ابراهیمی به‌ویژه یهود و مسیح، از جمله دیدگاه‌های پرتکرار در آثار نویسندگان غربی بود. برخی از نویسندگان با تأکید بر انگاره فریبکاری، عنوان کردند که حضرت محمد ﷺ، به جهت جذب اطرافیان و تسلط بر آنان، از عقاید ادیان پیشین استفاده کرده بود (Johnstone, 72; Andrae, 49). بادللی، گرچه بر این تأثیرپذیری تأکید داشت، اما بر آن بود که حضرت محمد ﷺ به دنبال اندیشه راستین برای نجات جامعه خود، سعی کرد تا از آموخته‌های پیشینیان سود جوید. وی، با تأکید بر شرایط محیطی مکه و حضور کاروان‌های تجاری از یمن، شام و ایران در آنجا، ارتباط آن حضرت با تجار را امری قریب‌الوقوع دانست. بادللی، با نوعی ادبیات داستان‌گونه، بیان کرد که وقتی کار روزانه تجار تمام می‌شد، تاجران در قسمتی از بازار می‌نشستند و به مباحثی پیرامون شعر، موسیقی، فلسفه و مذهب می‌پرداختند. در این روایت تخیلی، محمد ﷺ شنونده‌ای بود که با دقت فراوان، به سخنان اطرافیانش گوش می‌داد (bodley, 50). بادللی، در ادامه از روایت مخدوش سفر پیامبر ﷺ به شام در سنین کودکی یاد می‌کند و آن را موجب کسب تجارب گوناگون می‌داند. او بیان می‌کند که حضرت محمد ﷺ، به عنوان نماینده کاروان‌های تجاری، سفرهای بسیاری انجام داد. سخت‌کوشی و صداقت او در امر بازرگانی سبب شد تا قبل از بیست و پنج

سالگی به یکی از فعال‌ترین نمایندگان بازرگانی در عربستان تبدیل شود (ibid).
 بادلی، از راهبی یاد کرده که بر مبنای پاره‌ای روایات، در دوره کودکی پیامبر ﷺ، ایشان را ملاقات کرده و از نبوت آن حضرت، خبر داده است. در روایات، دو نام بحیرا و سرجیوس، برای راهب نقل شده است. احتمالاً بحیرا، لقب راهبی (واژه‌ای آرامی به معنای منتخب و برگزیده) به نام سرجیوس (سرجیس) بود (مسعودی، ۸۹/۱؛ حلبی شافعی، ۱۷۲/۱). تنها اطلاعی که می‌توان از راهب مذکور در منابع یافت، دیدار وی با حضرت محمد ﷺ در سفر تجاری است. علاوه بر آن، در باب دین بحیرا روایات گوناگون است. در کهن‌ترین روایات، بر نصرانی بودن وی تصریح شده است (ابن هشام، ۱۱۶/۱؛ ابن اثیر، ۳۷/۲؛ حلبی شافعی، ۱۷۲/۱)، در حالی که برخی دیگر، وی را یهودی می‌دانند (دمشقی، ۲۲۹/۲؛ عسقلانی، ۴۷۵/۱). همچنین، در مورد سن پیامبر ﷺ و نحوه ملاقات آن حضرت با بحیرا، اختلافاتی وجود دارد (ابن سعد، ۱۲۱/۱؛ طبری، ۲۷۸/۲)؛ بنابراین روایات مذکور از درجه اعتبار ساقط است و در دسته روایات ساختگی جای می‌گیرد. علاوه بر آن، روایات معتبری وجود دارد که حضرت محمد ﷺ، تنها سفر تجاری خود را در سن بیست‌وپنج سالگی و قبل از ازدواج با حضرت خدیجه انجام داده‌اند (ابن سعد، ۱۲۹/۱؛ حلبی شافعی، ۱۳۲/۱؛ مقدسی، ۱۳۷/۳).

از جمله نسبت‌های دیگری که بادلی با توجه به شرایط حاکم در مکه آن را تفسیر کرد، ادعای معجزه‌سازی برای جذب پیرو است. این دیدگاه در نخستین نوشته‌های عالمان مسیحی آمده و پس از آن بارها توسط نویسندگان بعدی تکرار شده است (ر.ک. سیروسی و ولوی، ۱۵۳). در قرن هجدهم، ادوارد گیون، انتساب معجزه‌سازی را پس از دعوت علنی مطرح می‌کند. در آن زمان گروهی از ساکنان مکه از محمد ﷺ خواستند تا برای اثبات نبوت خود، معجزاتی بیاورد. او ادعا می‌کند که پس از این واقعه، محمد ﷺ به همراهی تعدادی از هوادارانش، معجزات غیر واقعی و عجیبی مانند سخن گفتن گوشت سمی را ساختند. این سخن، در اشاره به روایت تعارف گوشت از طرف زینب بنت حارث، زن یهودی به پیامبر ﷺ و آگاهی او از سمی بودن آن،

آورده شده است (ابن هشام، ۳۳۷/۲؛ ابن سعد، ۸۲/۲؛ طبری، ۱۵/۳). او با بیان قسمتی از روایت و تحریف آن، به تمسخر سخنان آن حضرت پرداخته است.

بادلی، هرگز به صراحت نویسندگان پیشین، قایل به معجزه‌سازی پیامبر نبود. او بیشتر بر حماقت و نادانی اعراب تأکید کرد. به نوشته او محمد ﷺ، وقایع طبیعی روزمره را چون تنیده شدن تار عنكبوت بر دهانه غار را تحت عنوان معجزه معرفی کرد. از نظر بادلی شاید بتوان تخم‌گذاری کبوتر در ماه ژوئن را امری عجیب و خارق‌العاده برشمرد، ولی تنیده شدن تار عنكبوت بر دهانه غار، اصلاً غیرمحمول نیست. بادلی معتقد است ذهنیت ابتدایی اعراب در پذیرش چنین مواردی تأثیر داشت، چرا که تنها حماقت و نادانی مکیان در این امر مؤثر بوده و نمی‌توان هیچ قدرت فراطبیعی برای چنین وقایعی در نظر نگرفت (bodley, 172). بادلی به صراحت نویسندگان گذشته قایل به فریبکاری حضرت محمد ﷺ نیست، ولی براساس تجربه زیسته خود با اعراب به بیان این دیدگاه می‌پردازد که پیامبر توانست به راحتی ذهنیت اعراب را تحت تأثیر قرار دهد.

بادلی از تلاش حضرت محمد ﷺ در انطباق احکام دین خود با روحیه اعراب سخن می‌گوید. وی، بر این باور تأکید می‌کند که تصویر باد سوزاننده و آب جوش در جهنم، نوعی تشدید سختی بیابان‌های شبه جزیره عربی بود که پیامبر اسلام برای اطاعت‌پذیری اعراب از آن بهره گرفت (ibid, 101). بادلی، تصویر بهشت در قرآن را پاسخی به درخواست‌های اعراب برمی‌شمارد، چرا که از منظر وی، بهشت روحانی و معنوی نمی‌توانست موافق نظر اعرابی بادیه‌نشین باشد که چند همسری در سرزمینشان به سنتی فراگیر بدل شده بود. علاوه بر آن، بادلی حضرت محمد ﷺ را فردی رنج کشیده تصویر کرد که زندگی‌اش، مبارزه‌ای مستمر با سختی‌ها بود و به دنبال پاداشی آسمانی بود. بنابراین، بهشت نوعی بزرگ‌نمایی از تجربه سفرهای تجاری محمد ﷺ بود (ibid, 102).

دیدگاه‌های همدلانه

بادلی گاهی در نقد دیدگاه‌های رایج به دفاع از پیامبر اسلام می‌پردازد. نویسندگان غربی، برای اثبات خطرناک بودن اسلام، صفات اخلاقی ضدتمدنی و خشنی را به آن حضرت نسبت می‌دادند. آنان برای اثبات این پیش فرض که دین اسلام به زور شمشیر تبلیغ شده‌است، بر آن بودند تا نشان دهند که خشونت و تندمزاجی با روح و جان پیام آور اسلام عجین شده‌بود. این تصویرسازی در آرای نویسندگان غربی به کار گرفته می‌شد. ویلیام مویر، مؤثرترین نگارنده پیرامون زندگی پیامبر ﷺ در قرن نوزدهم، مدعی می‌شود که کینه‌جویی و خشونت‌طلبی در سرشت ایشان عجین شده‌بود. وی، بر این باور است که این خصلت، در دوره ضعف، با لعن و نفرین مخالفانش خود را نشان داد، اما بعدها این خصلت جای خود را به فتح و خونریزی داد (Muir, 172).

بادلی نیز پیامبر ﷺ را بیش از هر رهبر مذهبی دیگری در تاریخ بی‌رحم می‌داند، اما از آن با عنوان نوعی اقتدار یاد می‌کند که لازمه هر حکومت قدرتمندی است. وی بر آن است که آن حضرت، برای بقای رهبری خود و فرونشاندن مخالفان، مجبور بود گاهی اوقات از ابزار خشونت استفاده کند (bodley, 216). این در حالی است که ذات اعراب با جنگ و خونریزی عجین شده‌بود. بادلی با شناختی که در زندگی با اعراب کسب کرده بود، عرب را آنارشویست و بی‌نظم می‌دانست که به هنگام جنگ با قبیله دیگر، این کار را از روی علاقه شخصی انجام می‌دهد. بنابراین، جنگ‌های پیامبر ﷺ با مخالفانش به هیچ وجه امری خارق‌عادت به شمار نمی‌آید. در ادامه، بادلی می‌نویسد که حضرت محمد ﷺ، برخلاف عادت همیشگی اعراب، تمایلی به خونریزی نداشت و به همین جهت، به اسرای جنگی پیشنهاد داد که اگر مبلغ پولی پرداخت کنند و یا اسلام را بپذیرند، جانشان در امان است. وی، می‌افزاید که جز یک یا دو مورد، محمد ﷺ از دشمنان شکست‌خورده‌اش در جنگ انتقام نگرفت و آموزه‌های مجازات مخالفان، هماهنگ با زمان و مطابق با اخلاق مسیحی بود (ibid, 143).

بادلی، با لحنی تحسین‌برانگیز بیان داشت که در ابتدای جنگ بدر به دلیل غلبه نیروی مکیان، مسلمانان امید به پیروزی را از دست داده بودند، اما محمد ﷺ، روحیه آنان را

احیا کرد و به آنان اطمینان داد که خداوند آنها را پیروز خواهد کرد. وی، همچنین بر وعده‌های بهشتی پیامبر اسلام به جنگجویان تأکید کرده و می‌افزاید که محمد ﷺ، به یارانش می‌گفت که هر فرد، شبی را در راه خدا بجنگد، گناهانش بخشیده می‌شود و پاداشی بیش از دو ماه روزه و نماز دریافت خواهد کرد (ibid,154).

بادلی، در نقد پیشینیان خود می‌نویسد که برخی محمد ﷺ را نخستین فردی می‌دانند که موعظه‌های مذهبی را به وسیله جنگ تبلیغ می‌کرد، اما این افراد فراموش کرده‌اند که در گذشته، بیشتر جنگ‌ها به نام دین انجام شده‌است. وی، در ادامه می‌افزاید که موسی ﷺ، جنگ مقدس چندین هزار ساله را آغاز کرد. بادلی، جنگ‌های دوره پیامبر اسلام را مربوط به شرایط زمانه می‌داند، زیرا او می‌دانست که اعراب، پس از اعلان نبوتش در مقابل او خواهند ایستاد (ibid, 152-153).

ساده‌زیستی، صفت دیگری است که بادلی آن را منطبق با شرایط محیطی عربستان تفسیر می‌کند. او می‌نویسد که وعده غذایی اصلی محمد ﷺ، خرما و شیر و زیراندازش حصیری از برگ درخت خرما بود. لباس‌هایش به اندازه غذایش ساده بود. او پیراهنی از جنس پشم یا نخ خشن برتن می‌کرد. بادلی، تمامی این شرایط را مربوط به غرایز زندگی بادیه‌نشین می‌داند (ibid,143)، ولی از این نکته نیز غافل نمی‌شود که حضرت محمد ﷺ، وقتی در طول زندگی زناشویی نخستین خود در بین ثروتمندان مکه بود و یا زمانی که غنایم و ثروت فراوانی از جنگ‌ها به دست می‌آورد، زندگی زاهدانه خود را ترک نگفت. بادلی، همچنین بر صداقت و درستکاری پیامبر اسلام صحنه می‌گذارد و شهرت آن حضرت را در این امر، تا به حدی می‌داند که توجه خدیجه را برای ازدواج با او جلب کرد (Bodley,49).

بادلی پیامبر اسلام را بالاتر از عیسی ﷺ می‌دانست. او می‌نویسد که رشد و توسعه تدریجی در یهودیت و مسیحیت، در دوره اسلامی با عمل محمد ﷺ تکمیل شد. به اعتقاد او حتی عیسی ﷺ نیز نتوانست بود با آنچه که در اختیارش بود، دستاوردهای مشابه پیامبر اسلام به دست آورد (ibid,91). بادلی، آن حضرت را نخستین اصلاح‌گر مذهبی معرفی می‌کند که به مبارزه با بی‌عدالتی مکیان پرداخت و با وضع قوانینی در

مورد خیریه، آن را تثبیت کرد. وی اسلام را تنها سازمانی می‌داند که کمونیسم، به معنای واقعی در آن تبیین شده‌است، چرا که در قرآن، سهمی برای فقرا در اموال ثروتمندان قرار داده شده‌است (ibid, 92). البته، بادللی بر این باور بود که گرفتن مالیات قانونی از بادیه‌نشینانی که عادت به تبعیت از قانون خاصی نداشتند، بسیار دشوار بود. بنابراین، ایده پرداخت قسمتی از درآمد خود برای حفظ دین، موجب نوعی احترام مذهبی می‌شد که اعراب نیز آن را پذیرفتند. بادللی تأکید می‌کند که سنت‌های ناصوابی چون نوشیدن شراب که در ایالات متحده آمریکا سعی دارند تا با قوانین و مجازات‌های مادی آن را از بین ببرند، حضرت محمد ﷺ تنها از طریق اصل مذهبی ممنوعیت شراب، آن را منسوخ کرد. بدین ترتیب، مسلمان معتقد، چون می‌دانست که با نوشیدن شراب مرتکب گناه شده و مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد، از نوشیدن آن صرف نظر می‌کرد (ibid,95).

تحلیل انگاره‌های بادللی با تأکید بر شرایط زیست‌محیطی عربستان

بادللی فصل نخست کتاب خود را با مکه آغاز می‌کند. او به دنبال آن است تا با ترسیم وضعیت سخت جغرافیایی و فرهنگی مکه، داده‌هایی به خواننده ارائه دهد تا انگاره‌سازی درباره پیامبر اسلام را براساس آن انجام دهد. بادللی بارها اشاره کرد که افق دید حضرت محمد ﷺ کاملاً متفاوت با افق دید بدوی‌ها بود، با این حال پیام‌های دین اسلام برخاسته از شرایط بدوی جامعه عرب بود. بادللی درباره مکه می‌نویسد: «شهری لم یزرع و خشک و محصور در میان کوه‌ها است. هیچ راه فراری، برای گرمای سوزان بیابان آن نیست و تنها صدایی که در آن شنیده می‌شود، صدای خش خش باد است» (bodley, 13). بر این اساس وقتی بادللی به معتقدات مسلمانان درباره جهان آخرت می‌رسد، تصاویر سوزندان آتش جهنم و تناول خارهای خشک را بازتابی از شرایط جغرافیایی شبه جزیره عربستان می‌داند (ibid, 101). چنین انگاره‌ای از آیات مربوط به جهنم، پیش از این هم از سوی نویسندگان غربی مطرح شده‌بود، اما تفاوت معنی‌داری در سخنان بادللی نسبت به پیشینیان وی وجود دارد. بادللی، تطابق

آیات قرآنی با شرایط محیطی عربستان را نشانه هوشمندی و تفکر برتر آن حضرت می‌دانست. در حالی که در طرح‌واره کلان اسلام‌شناسی در غرب، این تطابق نشانه فریبکاری حضرت محمد ﷺ دانسته می‌شد. برای نمونه ناتان اکلاک، اسلام‌شناس قرن هجدهم، در اثبات اتصاف پیامبر اسلام به صفت حيله‌گری، ابراز داشت: «من درک بزرگ و عمیق این حيله‌گر مشهور را که امپراتوری بزرگی را پایه‌گذاری کرد، ستایش می‌کنم. این مرد بزرگ، طبیعت عربستان را فهمید. مردم عربستان، مردمانی سرزنده، فعال، پرجنب و جوش و معتاد به خوشی‌های خیالی بودند و در بین ساکنان همه مناطق گرم و خشک مانند مصر و ایران، مذهب ساراسن‌ها گسترش یافت» (Alcock, 22).

بادلی در ترسیم وضعیت شبه جزیره عربستان، دو نوع ساخت اجتماعی را مطرح می‌کند. نخست، بادیه‌نشینان که در بیابان و صحرا به سر می‌برند و گروه دوم، یکجانشینان که در شهر و واحه زندگی می‌کردند. شیوه زندگی واحه‌نشینی یا شهری، کاملاً بر خلاف روش زندگی در بیابان است. واحه، ممکن است باغ وسیعی از درختان خرما در وسط بیابان باشد مانند مدینه، و یا چون مکه، فقط شهری در اطراف چاه آبی باشد. واحه‌نشینان، گرچه از نظر جمعیت در اقلیت بودند، اما بازرگانان و رؤسا در بین همین گروه بودند. عشایر کوچ‌نشین سرسخت‌ترین نوکیشان و افرادی ساده دل بودند که مشخصه بارزشان، آزادی بود. البته، آزادی مورد نظر بادلی، عدم تقید به قوانین و یکپارچگی است (ibid, 15). از منظر وی، اعراب بادیه‌نشین تنها با اصول مقدسی چون مذهب، حاضر به فرمان‌برداری می‌شدند، وگرنه امکان رسوخ در اندیشه‌هایشان بسیار سخت بود. بادلی، از احترام زایدالوصفی سخن می‌گوید که مسلمانان برای حجرالاسود قایل هستند. در این زمان، دیگر به طور کلی از قوم عرب سخنی به میان نمی‌آید و بیان می‌کند که اکثریت قریب به اتفاق مردانی که به مکه می‌روند، حجرالاسود را به عنوان یک نشان مقدس می‌پذیرند (ibid, 12). چنین تعبیری، در زمان بیان قانون زکات در اسلام، شکل توجیهی به خود می‌گیرد. بادلی، بر این باور است که عدم تقید اعراب به قوانین، سبب شد تا پیامبر اسلام با بهره‌گیری از سنت تقدس، آنها را به پرداخت سهمی از اموالشان مجبور کند.

تصویر دیگر بادیه‌نشینان عرب که به قول بادل، بیشتر یاران حضرت محمد ﷺ را تشکیل می‌دادند، ساده‌اندیشی و شکل افراطی‌تر آن، حماقت و نادانی بود. به این ترتیب وقتی بادل به معجزات پیامبر اسلام می‌رسد، برخلاف پیشینیان خود که بر معجزه سازی تأکید داشتند، ساده‌اندیشی قوم عرب را هدف قرار می‌دهد. بادل، در این قسمت از متن کتاب خود، بدون توجه به معجزه بزرگ قرآن، بر ماجرای تار عنکبوت و لانه گذاشتن پرنده در دهانه غار متمرکز شده است (ibid, 172).

پیوند ساده‌زیستی پیامبر ﷺ با خصلت‌های قوم عرب، گام دیگر بادل برای اثبات تأثیرپذیری آن حضرت از شرایط زیست محیطی عربستان بود. در کتاب بادل مکه، شهری با خانه‌هایی هم شکل و اندازه و ساخته شده از سنگ است که مثل سلول‌های لانه زنبور در کنار هم قرار گرفته‌اند. در این شهر بی‌پیرایه و ساده هیچ نوع اثری از تمدن وجود ندارد. البته، بادل با تأکید بر زندگی بادیه‌نشینی، چنین نوع زیستی را همراه با خطرات و محرومیت‌های بسیار عنوان می‌کند که مجال برای پرداختن به امور تجملی در بین آنها وجود ندارد (ibid, 13). از دیگر صفات بارز این گروه از اعراب، صداقت و شوخ‌طبعی است. صفاتی که در زمان تفسیر شخصیت فردی پیامبر ﷺ، آن را مربوط به شرایط زیست محیطی عربستان می‌داند. به نظر می‌رسد که در این قسمت متن، از تفاوت زیستی بادیه‌نشینی و واحه‌نشینی سخنی به میان نمی‌آورد و ساده‌زیستی را مشخصه کلی قوم عرب ذکر می‌کند.

بدل، در توصیف ستون‌های شنی، آنها را به جن‌های خشمگینی مانند می‌کند که بر روی دشت می‌چرخند (bodley, 11). ذهن خواننده، با چنین تشبیهی ارتباط می‌گیرد تا اینکه متن بادل به جریان وحی می‌رسد. پس از بیان اظهارات پیشینیان خود که به حضرت محمد ﷺ نسبت صرع می‌دادند، با لحنی انتقادی بیان می‌کند که هیچ بیمار صرعی چنین فکر شفاف و دقیقی نداشته است، چرا که صرع، تناسب روحی و جسمی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این هنگام، تصویر جدیدی از پیامبر اسلام در برابر خوانندگان ترسیم می‌کند. فردی که گاهی روزها و شب‌ها را در مراقبه طولانی می‌گذراند، کم می‌خورد، کم می‌خوابد و به تدریج دچار تنش عصبی می‌شود. از این رو

محمد ﷺ زمانی که در غار بود ناگهان صدایی عجیب و واضح شنید و چون در ذهنش تصور کرد که شاید صدای جن است، تمام تلاشش را کرد که دیگر صدا را نشنود، ولی این بار، صدا بلندتر و واضح تر به گوش رسید. بدین طریق، با چنین زمینه چینی از نوع زندگی محمد ﷺ به خواننده چنین القا می‌کند که شرایط سخت زندگی آن حضرت منجر به روان‌پریشی و توهم او شده‌است (ibid, 53).

چنین تفسیری، این مفهوم را تقویت می‌کند که پایه اطلاعات بادللی درباره پیامبر اسلام، انگاره‌های پیشینیان اوست. او بر همین اساس تئوری تکراری تأثیرپذیری آن حضرت از ادیان پیشین را پیش می‌کشد. اگرچه بادللی روایت پیشینیان خود را در باب سفر پیامبر ﷺ به شام در سنین کودکی نمی‌پذیرد، ولی بلافاصله بیان می‌کند که شروع چنین سفرهایی می‌بایست در سنین نوجوانی باشد. صحنه‌ای که بادللی تنها براساس شرایط زیست‌محیطی مکه به بازسازی آن می‌پردازد، خالی از هر نوع سند تاریخی است. او تصور می‌کند حضرت محمد ﷺ، بارها و بارها دانش‌های موردنیاز خود را از کاروانیان شنیده بود. از طرف دیگر، رواج بت پرستی در مکه که ایمان پاک عرب‌ها را متزلزل کرده بود، سبب شد تا برای اصلاح دینی جامعه پیش قدم شود و چون از توالی پیامبران پیشین آگاه بود، با خود اندیشید که با گذشت ششصد سال از میلاد مسیح، زمان آن فرارسیده تا پیامبر دیگری برای اصلاح جهان ظهور کند (ibid, 56).

نتیجه

مواضع اسلام‌شناسان غربی نسبت به پیامبر اسلام همواره یکسان نبود و با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و فکری، تغییراتی در نگرش آنها به وجود آمده است. با این همه در سده نوزدهم دیدگاه‌های گوناگون در غرب قابل شناسایی است و نویسندگانی از دو طیف کاملاً متفاوت، در عرصه مطالعات اسلامی ظهور یافتند. برخی محققان تحت نفوذ استعمار با روش کاملاً جدید و علمی، بر همان انگاره‌های پیشینیان اصرار می‌ورزیدند. این گروه از نویسندگان، با پیش‌فرض‌های قرون وسطایی به سراغ مطالعه منابع اسلامی رفتند و به جست‌وجوی روایاتی پرداختند تا بتوانند با داستان‌پردازی‌های

ذهنی، اهداف خود را پیروانند. طیف دیگری از نویسندگان نیز با توجه به پیدایش زمینه‌های علمی، دیدگاه‌های مسالمت‌آمیزتری نسبت به حضرت محمد ﷺ داشتند. ظهور نظریه تکامل اجتماعی، از جمله این زمینه‌ها بود. به‌ویژه اینکه بخشی از این نظریه بر نقش انکارناپذیر شرایط محیطی بر شخصیت افراد تأکید داشت. گرچه رگه‌هایی از این نظریه را شاید بتوان در نوشته‌های بسیاری از نویسندگان غربی یافت، اما بادل‌ی نمونه بارز تأثیرپذیری از این نظریه است. با توجه به عدم وابستگی خاص وی به نظام‌های استعماری که در قرن نوزدهم به گرایش مسلط تبدیل شده بود، بهتر می‌توان به نقش چنین دیدگاهی در جهت‌دهی نویسنده پرداخت. بادل‌ی بیشتر از هر چیز، بر تجربه زندگی با اعراب تکیه داشت. از این‌رو او در تحلیل شخصیت پیامبر اسلام، بر درک شرایط محیطی تأکید داشت. بررسی آرای بادل‌ی نشان می‌دهد که وجود چنین دیدگاهی تا حدودی نگاه‌های خصومت‌آمیز غربیان را تعدیل کرده است. بادل‌ی بسیاری از آرای خصمانه محققان غربی نسبت به آن حضرت را با توجه به شرایط محیطی شبه‌جزیره تفسیر کرده بود. بنابراین، لحن توهین‌آمیز نویسندگان غربی کمتر در نوشته‌هایش دیده می‌شود. از طرف دیگر، او صفات نیکویی چون ساده‌زیستی و زهد در پیامبر ﷺ را از جمله خصوصیت‌های ویژه بادیه‌نشینان برشمرد. بادل‌ی قوانینی چون زکات و ممنوعیت شراب در اسلام را از برتری‌های ویژه اسلام بر مسیحیت معرفی کرد و معتقد بود که پیامبر ﷺ از طریق پیوند آن قوانین با دین، به راحتی توانست بر مشکلاتی فایق آید که در کشورهای اروپایی حتی با وضع قوانین پیچیده همچنان حل نشده باقی مانده است.

منابع

- ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵.
- ابن سعد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن ندیم، الفهرست، تصحیح گوستاو فلوگل، لایپزیک، بی نا، ۱۸۷۲.
- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری، عبد الحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعه، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- حلبی شافعی، ابوالفرج، السیره الحلبیه، مصحح عبدالله محمد خلیلی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۱.
- دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
- راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندی، تهران، پرواز، ۱۳۹۴.
- سیروسی، راضیه، «نوع شناسی انتقادی انگاره اسلام شناسان غربی از پیامبر اسلام ۶ پس از قرن هفدهم در متون انگلیسی»، رساله دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء، استاد راهنما دکتر علممحمد ولوی، استاد مشاور حمید احمدی، ۱۳۹۸.
- سیروسی، راضیه و علی محمد ولوی، «انگاره های عالمان مسیحی از ویژگی اجتماعی پیامبر اسلام ۶ از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۴۵، تابستان ۱۳۹۹، ۱۴۱-۱۷۶.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
- عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- کارلکار، هیرانمای، هند مستقل (پنجاه سال اول)، ترجمه علی اصغر کیا، محمد جواد ناطق پور و مجید جعفری اقدم، تهران، آرون، ۱۳۸۲.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹.

- مقدسی، مطهرین طاهر، البدء و التاريخ، بغداد، مكتبه الثقافه الدينيه، بی تا.
- ولوی، علی محمد، «بررسی تأثیر علایق خاندانی و رسوبات اندیشه دینی نومسلمانان بر ضبط سیره و تاریخ زندگانی پیامبر ۶ قبل از ابن اسحاق»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۸-۲۳۷.
- هگل، گئورک ویلهلم فردریش، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات علمی صنعتی آریامهر، ۱۳۳۶.
- Alcock, Nathan, *The rise of Mahomet*, London, G. Sael, 1796.
- Andrae, Tor, *Mohammed: The Man and His Faith*, London, Routledge, 2013.
- Bodley, Roland victor Courtenay, *The Messenger: The Life of Mohammed*, Greenwood, 1646.
- Boulainvilliers, Henri, *The life of Mahomet*, London, T. Longman, 1972.
- Dimmock, mathew, *Mythologies of the Prophet Muhammad in Early Modern English Culture*, Cambridge University Press, Khordad, 2013.
- Garcia, Humberto, *Islam and the English Enlightenment*, JHU Press, 2012.
- Hourani, Albert, *Islam in European Thought*, Cambridge University Press, Mordad, 1371.
- Johnstone ,P. De Lacy, *Muhammad and His Power* , C. Scribner's Sons, 1908.
- Macfie, A.L. ,*Orientalism*, London, Pearson Education, 2002.
- Meyer, Peter, "Social Evolution", *Handbook of Evolution: The evolution of human societies and cultures*, Wiley-VCH, 2004.
- Muir, William, *The life of Mahomet: from original sources*, Smith, Elder, 1878.
- Sahas, Daniel, *John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites"*, Leiden, bril, 1972.
- Speake, Jennifer, *Literature of Travel and Exploration: An Encyclopedi*, Taylor & Francis, 2003.
- Tignor, Robert, *Egypt A Short History*, Princeton University Press, 2011.